



## Knowledge of intellectual, religious and political schools in the Saravan in contemporary centuries

Mehdi Khalili\*  Mohammad Ali Alizadeh\*\* 

\*PhD student of Islamic history, Islamic Azad University, Torbat Heydariyeh branch. Iran. E-mail: [amirtahamail@gmail.com](mailto:amirtahamail@gmail.com)

\*\* Assistant Professor, Department of History, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Torbat Heydariyeh branch. Iran. E-mail: [dr\\_lzdh@yahoo.com](mailto:dr_lzdh@yahoo.com)

### Article Info

**Article type:**

**Research Article**

**Article history:**

**Received:** 10Janu2022

**Received in revised**

**form:** 6July2022

**Accepted:** 7Augu2022

**Publishedonline:** 22Dece2022

**Keywords:**

Cultural development,

Saravan,

Islamic sects,

Sunni community,

Tariqa,

Hanafi religion.

### ABSTRACT

The proximity of Saravan city to the Indian subcontinent and influence from the eastern lands of Iran has made Saravan the origin of cultural developments based on Sufism. Also, the role of Sunni Hanafi scholars in the political developments of the border regions of eastern Iran and the Indian subcontinent is an undeniable issue. Deoband school is responsible for the biggest contribution of this role-playing. After the spread of this school among the Sunni community, Hanafi Muslims were most influenced by it. On the other hand, the existence of religious schools influenced by Afghanistan and India has introduced Saravan as an important base of Sufism in the past ages. The emergence of the Deoband school in Saravan is more than eighty years old and has always been the source of extensive cultural developments in the east of Iran. The emergence of different schools such as Barilvi, Jamaat Tabligh, Maududi, Muslim Brotherhood and Salafi in this city is proof of the growth of religious activity in this region. Considering the diversity of Islamic sects and religions in Saravan, while examining the state of Saravan's cultural and religious developments in the past two hundred years, what should be discussed in this article; Finding this question is the basis of: What have been the factors influencing the political and cultural developments of Saravan and what is the role of the Muslim scholars of the region in the growth and diversity of Saravan's cultural and religious differences? Due to the historical nature of this research, the answers to the questions will be found with a descriptive-analytical method based on sources, documents and oral data and narrative documents through interviews and observations

**Cite this article** Alizadeh, Mohammad Ali & Khalili, Mehdi (2022). Knowledge of intellectual, religious and political schools in the Saravan in contemporary centuries. Journal of Historical Researches of Iran and Islam, vol 16, No31 Pages.244-266.

**DOI.10.22111/JHR.2022.39486.3220**



© The Author; Mohammad Ali Alizadeh & Mehdi Khalili

Publisher: University of Sistan and Baluchestan

**DOI.10.22111/JHR.2022.39486.3220**



## شناخت مکاتب فکری، مذهبی و سیاسی در سراوان قرون معاصر

مهدی خلیلی<sup>۱</sup> ID محمدعلی علیزاده<sup>۲</sup> ID

۱. دانشجوی دکتری رشته تاریخ اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت حیدریه، ایران. رایانامه: [amirtahamail@gmail.com](mailto:amirtahamail@gmail.com)

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، واحد تربت حیدریه، ایران. رایانامه: [dr\\_lzdh@yahoo.com](mailto:dr_lzdh@yahoo.com)

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۴/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۱۶ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰</p> <p>واژه‌های کلیدی: تحولات فرهنگی، سراوان، فرقه‌های اسلامی، جامعه اهل سنت، طریقت، مذهب حنفی.</p>	<p>هم‌جواری شهرستان سراوان با شبه‌قاره هند و تأثیرپذیری از سرزمین‌های شرق ایران موجب شده است تا سراوان منشأ تحولات فرهنگی متکی بر تصوف به شمار آید. همچنین نقش علما اهل سنت حنفی در تحولات سیاسی مناطق سرحدی شرق ایران و شبه‌قاره هند امری انکارناپذیر است. بیشترین سهم این نقش‌آفرینی بر عهده مکتب دیوبند است. پس از فراگیر شدن این مکتب در میان جامعه اهل سنت، مسلمانان حنفی مذهب بیشترین تأثیر را از آن گرفتند. از طرفی وجود مدارس دینی و مذهبی متأثر از افغانستان و هندوستان، سراوان را به‌عنوان پایگاه مهم تصوف در اعصار گذشته معرفی کرده است. نضج مکتب دیوبند در سراوان از هشتاد سال پیش تاکنون منشأ تحولات فرهنگی گسترده‌ای در شرق ایران شده است. ظهور مکاتب مختلفی چون بریلوی، جماعت تبلیغ، مودودی، اخوان المسلمین و سلفی در این شهرستان مؤید رشد فعالیت مذهبی در این منطقه است. نظر به تنوع فرق و مذاهب اسلامی در سراوان آنچه مقرر است در این مقاله بدان پرداخته شود؛ بررسی وضعیت تحولات فرهنگی مذهبی سراوان را در دویست سال گذشته است و نیز بیان عوامل مؤثر بر این تحولات سیاسی فرهنگی و واکاوی نقش علمای مسلمان در رشد و تنوع فرق فرهنگی مذهبی سراوان، مؤثرترین روش مطالعه این سؤالات و تصویب یافته‌ها و نتایج تحقیق، روش توصیفی تحلیلی مبتنی بر منابع، اسناد و داده‌های شفاهی از طریق مصاحبه است.</p>

استناد: علیزاده، محمدعلی و خلیلی، مهدی (۱۴۰۱) شناخت مکاتب فکری، مذهبی و سیاسی در سراوان قرون معاصر، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، دوره ۱۶، شماره ۲ - شماره پیاپی ۳۱، ص ۲۴۴-۲۶۶.

DOI.10.22111/JHR.2022.39486.3220

© نویسنده‌گان. محمدعلی علیزاده و مهدی خلیلی

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان



## مقدمه

استان سیستان و بلوچستان در طول دویست سال گذشته دستخوش تحولات فرهنگی و مذهبی عمیقی گردیده است که ریشه در رخداد‌های سیاسی داخلی و خارجی داشته است. این تحولات به‌گونه‌ای بوده که با اندک بررسی در منابع تاریخی مشخص می‌گردد که جهت‌گیری فرهنگی منطقه به سمت یکجانشینی و هم‌گرایی و مداخله در انسجام ملی و مذهبی باشد. حوادث سیاسی داخلی که نشئت‌گرفته از سیاست‌های عصر قاجاریه در برخورد با مردم بلوچستان تا عصر ناصری و پس از آن در دوره مشروطیت و جایگزینی پهلوی اول و دوم و سپس نظام جمهوری اسلامی ایران هر کدام به‌نوعی در تحولات جامعه بسته بلوچستان مؤثر بوده‌اند. این جامعه بسته به لحاظ فرهنگی درگذر تاریخ به مرحله‌ای از رشد دینی می‌رسند که در حال حاضر دارای هزاران روحانی و صدها مراکز فرهنگی و دینی در خدمت جامعه بلوچستان می‌باشند و در راستای پالایش فرهنگی و زدودن عقاید و رسم‌های خرافی و آشنایی مردم در دورترین نقاط بلوچستان با اصول و شریعت اسلام تلاش نموده‌اند. در بررسی تحولات سیاسی خارجی می‌توان از حضور دول اروپایی، به‌خصوص حضور انگلیس را به‌عنوان مهم‌ترین وقایع سیاسی تلقی نمود که سرمنشأ تحولات فرهنگی اسلامی در شرق ایران گردید و تأثیر در تعاملات فرهنگی بلوچستان ایران با هم‌کیشان خود در کشور همسایه چشم‌گیر بوده است. مداخلات این کشور در مرزهای ایران و حضور استعمارش در کشور هندوستان باعث گردید سیر مبارزاتی مسلمانان هند علیه انگلیس با رویکرد جدیدش نظام فرهنگی مسلمانان هند را دگرگون و طرحی نو که ریشه در آموزه‌های مذهبی شاه ولی‌الله دهلوی داشت درآندازد.

فروپاشی نظام فرهنگی مذهبی قبلی مسلمانان و بنای نظام فکری مذهبی جدید از مرزهای هند فراتر رفته و سایر مسلمانان هم‌کیش را در بلاد مجاور متأثر و مرهون تفسیر جدید خود ساخت. این تفسیر جدید از دین در مذهب حنفی تفکری جدید را بانام دیوبند به وجود آورد که در پایان دادن به سلطه انگلیس در کشور هندوستان نقش ایفا نمود و به‌عنوان مکتبی پیشرو در میان اهل سنت حنفی ایران نفوذ و تحولات فرهنگی جدیدی را با رویکرد مبارزه با بدعت‌ها، خرافات و شرک بنیان نهاد که البته این موضوع مربوط به سده اخیر است. اشتراکات فرهنگی، قومی، مذهبی و

زبانی بلوچ‌های شرق ایران با مسلمانان شبه‌قاره هند باعث گردید که در مدت به نسبت کوتاهی نظام فکری مذهبی بلوچستان ایران که از تنوع فرهنگی گسترده‌ای برخوردار بود تحت تأثیر نظام فکری دیوبند شروع به رشد و نمو نماید. با تأسیس کشور جدید پاکستان و رشد و گسترش تفکرات مذهبی مختلف به دلیل مرادفات فرهنگی اقوام بلوچ زمینه نفوذ مکاتب و فرقه‌های فکری مذهبی جدیدتر این خطه از کشور را تاکنون، به گونه‌ای متأثر ساخته که باتریت نیروی روحانی، مراکز فرهنگی مذهبی بلوچستان توانسته با مراکز دینی کشورهای همسایه رقابت و نیروی فعال مذهبی به سایر بلاد اسلامی صادر و در نشر و اشاعه اسلام در آن کشورها منشأ اثر گردد.

شهرستان سراوان یکی از شهرستان‌های خطه استان سیستان و بلوچستان به‌عنوان شرقی‌ترین منطقه کشورمان از گذشته‌های دور یعنی سده اولیه و قبل از آنچه درباره‌ی دیوبند بیان گردید؛ مرادفات فرهنگی اجتماعی با نظام فرهنگی اجتماعی کشور هندوستان داشته است. این شهرستان به دلیل داشتن ویژگی‌های فرهنگی مذهبی خاص خود در منطقه بلوچستان، به‌عنوان کانال ارتباطی شهرستان‌های استان با مراکز دینی هند از اهمیت به‌سزایی برخوردار بوده است. این اهمیت بدین جهت است که نهاد دین در این شهرستان دارای شاخصه‌هایی بوده که اسلامیت فرهنگ این خطه را تضمین می‌نموده است. علی‌رغم فقدان منابع تاریخی که توصیف‌کننده نهاد دین در این منطقه باشد می‌توان بر اساس آثار مذهبی تاریخی من جمله مسجد دزک، مقابر و زیارتگاه عرفا، مخطوطات و قرآن و کتاب‌های دست‌نویس دینی و محفوظات سینه‌به‌سینه که به یادگار مانده در خصوص وضعیت فرهنگی مذهبی آن شناخت حاصل نمود. بررسی این آثار حکایت از قدمت فرهنگ اسلامی در این منطقه با محوریت تصوف دارد و نشان می‌دهد این منطقه مرکز جذب و حضور علمای عارف‌مسلك مهاجر بوده است. در مقاله حاضر برانیم تا به این سؤالات درزمینه تحولات فرهنگی مذهبی سراوان پاسخ‌گوییم: تحولات فرهنگی مذهبی سراوان در دو قرن اخیر چه عواملی بوده است و علمای مسلمان چه نقشی در آن داشته‌اند؟ فرقه‌های فرهنگی مذهبی سراوان کدامند و تنوع فرقه‌ای چگونه و تحت چه عواملی پدید آمده است؟ با توجه به سؤالات مطرح‌شده می‌توانیم چنین بگوییم که: موقعیت مرزی سراوان و هم‌جواری با کشورهای هند و پاکستان و ارتباطات تجاری و مرادفات فرهنگی با این مناطق و برخورد حکومت‌های قاجار و پهلوی

اول بر تحولات منطقه مؤثر بوده و ورود علمای مسلمان دیوبندی به سراوان موجبات تغییر و تحکیم باورها و اعتقادات و آداب و رسوم مردم سراوان را فراهم آورد، دیگر این که تنوع فرق مذهبی و طریقت‌های متصوفه و مکتب‌های فکری و جریانات سیاسی مذهبی بسیار است اما فعال‌ترین آن‌ها چشتیه، قادریه و نقشبندیه در تصوف و دیوبندی، سلفی، بریلوی، مودودی و جماعت تبلیغ در مکاتب و اخوان المسلمین هستند.

### وضعیت فرهنگی مذهبی سراوان در دو قرن اخیر

مردم شهرستان سراوان به دلیل حسن سلوک و اخلاق به عنوان با فرهنگ‌ترین مردم بلوچستان مطرح بوده‌اند. در واقع مردم استان سیستان و بلوچستان از سراوان به عنوان مرکز فرهنگی بلوچستان یاد می‌کنند. اولین مدرسه دولتی سراوان داورپناه توسط امان‌الله جهانبانی فرمانده قوای اعزامی به بلوچستان در سال ۱۳۰۷ ه. ش تأسیس و تا ۱۳۰۸ ه. ش به وسیله نظامیان اداره می‌شد و تا سال ۱۳۱۸ ه. ش تنها مدرسه سراوان به شمار می‌رفت. ملا شیرمحمد رحمانی و ملا لشکر خداپنده از جمله اشخاصی بودند که در مساجد به تشویق مردم پرداختند و از آنان خواستند که فرزندان‌شان را به مدرسه بفرستند. خودشان نیز پیش قدم شدند و اطفال خود را به مدرسه اعزام کردند (رخشانی و سیاسر، ۱۳۸۹: ۲۴۴) همچنین بر اساس سرشماری سال ۱۳۶۵ ه. ش سراوان در میان شهرستان‌های بلوچستان از بالاترین درصد باسواد بالای ۶ سال برخوردار بوده است. (افشار، ۱۳۷۱: ۱۹۴ و ۲۰۹). اگر به دو خصلت هر فرهنگ توجه کنیم که اولاً: هر جامعه از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. ثانیاً: پدیده‌های فرهنگی دیرپا هستند و به سرعت از بین نمی‌روند و به خصوص خط حیات آنان یک‌باره قطع نمی‌گردد، لزوم شناخت گذشته‌های هر فرهنگ و مطالعه سیر تحول آن آشکارتر می‌شود (برقی، ۱۳۳۶: ۲۳). در نتیجه فرهنگ علاقه‌مندی به سوادآموزی حاصل کشش ذاتی جامعه بوده است. این شرایط فرهنگی جامعه، در گرایش مردم به علم‌آموزی و تقویت فرهنگ علم‌پروری سراوان مؤثر بوده است. با توجه به آثار و اسناد و شواهد می‌توان ادعا نمود فرهنگ جامعه سراوان در دویست سال گذشته متأثر از نهاد مذهب بوده است و دارای دو مرحله مذهبی در این مقطع تاریخی است. صدسال اول و صدسال دوم. در هر دو صدسال، مذهب بر فرهنگ تسلط دارد و نمی‌توان فرهنگ مردم را غیرمذهبی تعریف کرد. فرهنگ قرن اول ساده، ابتدایی و بی‌تعصب

بوده و فرهنگ قرن دوم پیچیده و در برخی موارد افراطی توأم باسیاست که از روال طبیعی خارج گردیده است.

### نفوذ و گسترش اسلام در سراوان

با ورود اسلام به ایران و آغاز دورانی که از آن به دوران اسلامی تعبیر می‌شود مشخص می‌گردد بخش‌هایی از بلوچستان در نیمه اول قرن اول توسط مسلمین فتح شده است اما جزئیات پیشروی مسلمانان در بلوچستان در منابع نیامده است. در بررسی مباحث فتوح در تاریخ البلاذری، اخبار الطوال و تاریخ طبری مشخص می‌گردد، عمده‌ترین مشخصه گسترش فتوح مسلمانان در بلوچستان کندی پیشروی و به تبع آن پذیرش تدریجی دین اسلام در این بخش از ایران بوده است (البلاذری، ۱۴۲۱: ۴۱۱ و دینوری، ۱۳۶۴: ۳۶۴ و طبری، ۱۳۶۲، ج ۵: ۲۰۱۶) و از آنجایی که در این فتوح بیشتر قسمت‌های جنوبی بلوچستان چون قصرقند و کیج به‌منظور دسترسی به سند مورد توجه بود، می‌توان گفت که ناحیه امروزی سراوان با توجه به فاصله‌ای که از مسیر فتوح داشت در قرن اول هجری و حتی یک قرن پس از آن وضعیت گذشته خود را حفظ نموده است و پذیرش اسلام توسط مردم این ناحیه در ابتدای قرن سوم و به‌صورت تدریجی بوده و کار تبلیغ دین اسلام را در سراوان بیشتر عرفا و صوفیان بر عهده داشته‌اند (سپاهی، ۱۳۸۳: ۵). با گسترش فتوح مسلمانان لزوم شناسایی دقیق سرزمین‌های اسلامی موجب رویکردی جدی به دانش جغرافیا شد و در نتیجه جغرافی‌دانان مسلمان آثار ارزشمندی عرضه کرده‌اند که تا حدود زیادی اوضاع سرزمین‌های اسلامی را در طی قرن‌های سوم و پنجم مشخص می‌کند و در هر جایی که آن جغرافیا نویسان از شهرهای مکران قدیم نام برده‌اند از دزک به‌عنوان مهم‌ترین شهری که در حوزه سراوان کنونی قرار دارد یاد کرده‌اند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۷۰۲ و حدود العالم، ۱۳۶۵: ۱۲۴).

آثار به‌جا مانده از دوره اسلامی در دزک سراوان حکایت از نفوذ اسلام توسط عرفای مهاجر افغانی و هندی و ایرانی در این منطقه دارد. مسجد جامع دزک که تاریخ بنای آن مشخص نیست دارای چله خانه‌ای در عمق پنج متری بوده که عارفان و صوفیان به‌مدت چهل شبانه‌روز در آنجا به راز و نیاز با خداوند می‌پرداختند (دهواری، ۱۳۸۷: ۸۳). مقبره خواجه عبدالرحیم معروف به حاجی صاحب از بناهای مذهبی است که در سیب و سوران واقع است. ایشان اهل تربت جام خراسان و

پس از علم‌آموزی، مرید شاه غلام از شیوخ شام گردید و به دستور شاه غلام برای نشر اسلام در بلوچستان به این منطقه کوچ کرد و در سراوان و شهر هیدوچ که در آن زمان به عرفان و تصوف مشهور بود مستقر شد و شاگردان زیادی تربیت کرد (شماری از مقبره‌های استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۰: ۶۴). از شاگردان مهم ایشان ملا رحمت اهل بم پشت، خواجه محمد مرشد و حاجی میر اهل دزک بوده‌اند. از دو فرزند ایشان ملا اسماعیل در جوانی فوت و دخترش بی‌بی با ملاهاشم از بم‌پشت ازدواج می‌نماید. مقبره صوفی عبدالله در مقابر شیشه‌ریز جالق بازمانده دوره ایلخانی و از اماکن مورد احترام مردم در گذشته بوده‌است (همان: ۱۵۷). زیارت‌گاه سلطان بابا حاجی از اماکن مذهبی دیگر سراوان مربوط به دوره صفوی در روستای زیارت سراوان می‌باشد که هنوز مورد احترام و دارای گنبد و بارگاه است. ایشان از مهاجرین اصفهانی و به قولی هندی بوده که در مسیر بازگشت از سفر هندوستان در سراوان مقیم شده‌است (دهواری، ۱۳۸۷: ۸۸). وجود ده‌ها مقبره و زیارت‌گاه دیگر که تا ۵۰ سال قبل مورد احترام و زیارت مردم قرار داشت بیان‌گر حضور علما و عرفا در این منطقه بوده‌است (همان: ۸۷).

چنان‌چه عنصر مذهب را جزئی از فرهنگ جامعه سراوان معرفی کنیم می‌توان ادعا کرد بستر دین‌گرایی و علاقه‌مندی به فراگیری علوم دینی باعث گردیده اقشار مذهبی به‌سوی مراکز دینی در سایر نقاط دنیا متوجه شوند. این افراد پس از آشنایی با مراکز علوم دینی در هند راهنمای سایر علاقه‌مندان به فراگیری علوم دینی گردیده‌اند و براساس آموخته‌های جدید از سوی اساتید و مراکز تحصیلی دیوبند مأمور به ترویج و نشر آموخته‌ها و عقاید فرا گرفته می‌شوند و سلسله‌وار پروسه‌ای طولانی را جهت رشد و رونق آموزش‌های مذهبی در راستای اعتلای فرهنگ دینی از طریق ایجاد مکاتب و مدارس و به‌کارگیری علما فراهم می‌نمایند. این پروسه در دورانی شکل گرفت که از آن به دوران پاک دینی یاد می‌کنند. در همین دوران مدارس دولتی توسط دولت مدرن از سال ۱۳۰۷ ه. ش در سراوان در حال گسترش بود. لذا انگیزه فراگیران برخلاف نسل گذشته صرفاً سوادآموزی نبوده بلکه جوششی فرهنگی با انگیزه مذهبی جهت مقابله با مظاهر خرافه، بدعت و شرک و رسومات غیر عبادی و حتی در رقابت با فرهنگ سوادآموزی جدید اعلام موجودیت نموده‌است. این جوشش بعضاً با نگاهی تند روانه نیز جلوه‌گر می‌شده و فراگیری علم در مدارس دولتی را فراگیری

علوم شیطانی قلمداد می‌کرده و از ورود فرزندان‌شان خصوصاً دختران به مدارس دولتی جلوگیری می‌کرده‌اند. چنین به نظر می‌رسد که عوامل دیگری از جمله برخوردهای خشن با بلوچ‌ها در دوره قاجار و سیاست‌های رضا شاه در اتخاذ این رویکرد توسط مردم منطقه نقش مؤثری داشته‌است. ظهور این نگاه مربوط به لایه‌های فرهنگی از جامعه سراوان بوده که در برابر تغییرات فرهنگی جدید مقاومت نموده و سعی در حفظ فرهنگ سنتی منطقه داشته‌است. شرایط اقلیمی و وضعیت جغرافیایی منطقه سراوان از دیگر مولفه‌های مؤثر در شکل‌گیری فرهنگ دینی در سراوان می‌باشد. آب و هوای مناسب و آبادانی موجود در میان موقعیت جغرافیایی منزوی بلوچستان و محصور مابین منطقه سرحد، بلوچستان مرکزی و مکران و بلوچستان انگلیس (جهانبانی، ۱۳۳۶: ۱۲). محلی آرام و قابل توجه را برای نشر اسلام توسط عرفا و علمای و وعاظ سایر بلاد به وجود آورده‌است. این ویژگی باعث گردیده که سراوان محل عبور با اقامت عرفا و وعاظ ایران و افغانستان به هندوستان و بالعکس قرار گیرد. مقابر شیخ حسام‌الدین، سید عبدالرحمن، بابا علی‌شاه مردان، حاجی صاحب و... (دهواری، ۱۳۸۷: ۱۴۵) گواه این مدعاست. این انزوای جغرافیایی با وجود حاکمان محلی که به دینداری توجه داشته‌اند (پاتینجر، ۱۳۴۸: ۱۵۸) در نهادینه شدن تفکرات اسلامی در سراوان مؤثر بوده‌اند. بستر تأثیرگذار دیگر، مهاجرت سلسله‌هایی از سادات و علما به دزک و سکونت در آن‌جا بوده‌است. مهم‌ترین جریان‌های منتسب به سادات که ورودشان به‌عنوان عالم و عارف دینی به منطقه صورت گرفته و تا کنون نیز متولی امور مردم سراوان بوده‌اند.

### تنوع فرق اسلامی در سراوان

یکی از ویژگی‌های فرهنگی مذهبی سراوان سرآمد بودنش در پذیرش نحله‌ها و فرق مختلف فکری مذهبی می‌باشد. به‌گونه‌ای که در حال حاضر از تمامی نحله‌های مطرح فکری مذهبی جهان اسلام در این منطقه رگه‌هایی موجود است. تنوع فرق مذهبی در سراوان با توجه به بافت مذهبی نسبتاً یک دست آنکه اهل سنت حنفی می‌باشند، قابل توجه می‌باشد. جریان تصوف در سراوان دارای شیوه‌ها و روش‌هایی از گذشته تا به حال بوده که همیشه در روش و سازمان کیفیت متفاوتی داشته‌اند، دیوبندی‌ها دارای گرایشات فکری متفاوتی هستند که بیشتر متأثر از اساتید مدارس دینی محل تحصیل خود در شبه‌قاره هند بوده‌اند. جریان غیر مقلد یا سلفی نیز علی‌رغم نوپا بودنش دارای



سلیقه‌های متفاوت و تفکرات مختلف می‌باشند. جماعت تبلیغ و مودودی و جریان اخوان‌المسلمین نیز دوره‌های مختلف علمی را طی نموده‌اند که توجه علاقه‌مندان به این موضوع را به خود جلب می‌نماید. تاریخ دقیقی از زمان گرایش مردم منطقه سراوان به مذهب حنفی در دست نمی‌باشد. حتی از علما و روحانیون شاخص در منطقه قبل از دو سده اخیر، اطلاعات تاریخی موجود نیست. از شواهد و آثار می‌توان حدس زد که مردم بلوچ در اثر ارتباط با وعاظ دینی که به صورت مهاجر و در کسوت درویش و صوفی به منطقه وارد شده‌اند با آداب و رسوم اسلامی آشنا و آن را به کار بسته‌اند. والا نشانی از عالم معروف دینی به جز سادات مهاجر ذک و دهک و بزرگزاده‌ها که از مناطق دیگر به این منطقه مهاجرت کرده‌اند، آثار و اقوال دیگری موجود نیست. مذهب گروه‌های مهاجر نیز در بدو ورود به وضوح مشخص نمی‌باشد، لیکن با توجه به متأثر بودن مهاجرین از مدارس دینی افغانستان و سابقه حضور صوفیان افغانستان در سراوان، بیان‌گر آشنایی و پیروی علمای این دوره از مذهب امام ابوحنیفه (ره) می‌باشد.

### گرایشات طریقتی

آن‌چه طریقت را از شریعت جدا می‌کرده است به یک امر اساسی مربوط بوده‌است. یعنی مسئله مربوط به شناخت و وصول به حق یا رابطه انسان و خدا، اما در شریعت اصول و دستورات و قوانین شناخت و رسیدن به حق روشن و تعیین شده‌است. مجموعه این قوانین و اصول علوم اسلامی نامیده می‌شود که عالم آنها را فرا می‌گیرد و به کار می‌بندد. به عبارت دقیق‌تر می‌توان گفت شناخت و وصول به حقیقت در شریعت یک امر تحصیلی و کاربردی است و یا علمی و آموختنی است. اما در طریقت، شناخت و وصول به حقیقت یک امر روحانی، روانشناسانه و حالی و درونی است که علمی و آموختنی نیست. بلکه دریافتنی، کشف شدنی و پذیرفتنی است (مسکوب، ۱۳۶۸: ۱۸۶). صوفیان برای ذکر در طریقت خود، مرتبتی عظیم قائلند و آن را از بزرگ‌ترین ارکان عملی دین به‌شمار می‌آورند. نخستین مرحله ذکر از نفس است و آخرین مرحله آن فنای ذکر است. در ذکر، بدون احساس به ذکر و استغراق ذاکر در مذکور، آن‌گونه که بازگشت به نفس برایش ممتنع باشد (نیکسون، ۱۳۵۷: ۱۶۲). افراد به‌مدت چهل روز جهت ریاضت و انزوا و دوری از مردم به چله‌خانه‌های خود دعوت می‌کردند و این مرشدها و پیرها از احترام زیادی در بین مردم برخوردار بودند و پیروان،

آن‌ها را اهل کرامات دانسته و به لباس و ته مانده غذا و آب و وی آن‌ها تبرک می‌جستند و در سفره‌های دوره‌ای که داشتند مسائل اولیه دینی را برای مردم بیان می‌کردند. مردم نیز فرزندان‌شان را برای یادگیری دینی نزد آنان می‌فرستادند (جهان تیغ، بی‌تا: ۶۷). چله‌خانه‌های معروف سراوان در مسجد دزک، روستای دهک، غار شنگاسکی، کنار دان و روستای گورناگان وجود داشته و خواجه محمد مرشد بزرگ‌ترین صوفی دارای تاریخ چله‌خانه، مقبره، طایفه و دیوان اشعار می‌باشد. مراکز عمده تصوف سراوان عبارت است از: شهر محمدی، کلیورگان، قلعه ماشکید، دهک، پیرآباد، گورناگان، کشتگان. در چله‌خانه‌ها جایی را شن می‌ریختند و در فضای آزاد بین نماز عصر و مغرب ریاضت می‌کشیده‌اند. مرید با مرشد بیعت اذکار داشته و ذکر خفی متعلق به خود شخص و ذکر علی در حلقه‌های ذکر انجام می‌شده‌است. سماع و موسیقی در تصوف، از موارد اختلافی بین عرفا و علما می‌باشد. تصوف سراوان معتقد به ذکر با موسیقی هستند و رباب یکی از آلات موسیقی عرفانی بوده‌است. در واقع در سراوان دو تیره سادات طریقتی (صاحبان) و سادات شریعتی حضور دارند. سادات طریقتی برای مردگان تقدس قائلند اما سادات شریعتی و علمای دیوبند بستن گنبد و بارگاه را جایز نمی‌شمارند و معمولاً دیوبندی‌ها با برخوردهای فیزیکی این مخالفت را به صاحبان متذکر شده‌اند. دیوبندی‌ها تصوف را قبول اما موسیقی را رد می‌کنند و زیارت قبور، میلادها، اذکار با موسیقی و ندای غیر الله را قبول ندارند (تحقیقات میدانی، سراوان: ۱۳۹۲).

نظام‌های صوفیانه‌ای که در سراوان وجود داشته‌اند اغلب انتقالی بوده که در افغانستان، هند، بغداد و یا آسیای مرکزی منشأ داشته‌است. آموزش‌های صوفیانه علی‌رغم نفوذشان در بلوچستان به پیدایش خانقاه به مفهوم ایرانی خود نینجامیده‌است. علاوه بر نظام‌های صوفیانه سنتی که تاکنون به حیات خود ادامه داده‌اند، خلیفه‌های طریقتی دیوبندی در این راستا فعالیت دارند. در سراوان چهار طریقه نقشبندی، چشتی، قادری و سهروردی ذی‌نفوذ بوده‌اند و هنوز کم و بیش سه طریقه نقشبندی، دشتی و قادری دارای نفوذ هستند، مقصد آنها در کل تزکیه نفس و صفای باطن می‌باشد. هر کدام برای نیل به مقصود دارای روش و طریقه‌ای مخصوص به خود می‌باشد و در این راستا دارای شجره‌نامه طریقتی است که منشأ همه آن‌ها از طریق مشایخ‌شان به رسول گرامی اسلام (ص) می‌رسند. سه طریقه چشتیه، قادریه و سهروردی از طریق امام علی (ع) به پیامبر (ص) و طریقه

نقشبندیه از طریق ابوبکر صدیق به پیامبر اسلام (ص) می‌رسند. برخی از اهل طریقت سراوان در چهار طریقه دارای مقام خلیفگی بوده‌اند و برخی در یک طریقه دارای اجازه بیعت و مرید گرفتن بوده‌اند. از تفاوت طریقه‌ها در اذکار، اداء اذکار، بیعت و چله‌نشینی می‌باشد. طریقه‌های چشتیه، قادریه و سهروردی ذکر بالجهر (آواز بلند) دارند، اما نقشبندی به ذکر اخفا اعتقاد دارند. در طریقه چشتیه علاوه بر ذکر بالجهر با آلات موسیقی ذکر سماع می‌کنند. اما قادری سماع ندارد. طریقه چشتیه و نقشبندی ذکر را با نفی و اثبات یعنی لاله‌الله‌الله شروع و قادری با اثبات و سپس نفی یعنی الله، الله هو، لاله‌الله‌الله شروع می‌کنند. در محافل ذکر این طریقه حلقه ذکر وجود دارد و محدودیتی برای تعداد مریدان حاضر وجود ندارد. بیعت در نقشبندی به صورت خطی انجام می‌شود یعنی خلیفه یا مرشد انگشت بر قلب مرید گذاشته و به او تلقین می‌نماید. اما در طریقه‌های دیگر بیعت با قرار گرفتن دست مرید در دست مرشد یا خلیفه عمل بیعت و تلقین انجام می‌شود. چله‌نشینی در طریقه قادریه و چشتیه معمول است اما در طریقه نقشبندیه مورد اعتنا نمی‌باشد.

#### طریقه چشتیه

سلسله چشتیه منسوب به قریه چشت است که نام روستایی است در پیرامون شهر هرات. بنیان‌گذار این طریقه ابواسحاق شامی است که به دلیل سکونت در شام و وفات در آنجا به شامی منسوب گردید. خواجه ابو اسحاق بعد از اینکه به خلافت رسید به خواجه دشت مشهور گردید (غلام سرور، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۴۰). قدیمی‌ترین پیر و مرشد این طریقه در سراوان سلطان بابا حاجی از بنیان‌گذاران تصوف در سراوان بوده و مقبره‌اش در روستای زیارت واقع است. سایر بزرگان این طریقه که در گذشته‌اند عبارتند از: شیخ نام‌الدین اهل افغانستان مقبره‌اش در دهک، چهل و چهار مردان اهل هندوستان در مسیر عزیمت به مکه معظمه در دهک فوت نموده، خواجه ملا عطا محمد گنبد در کشتگان، خواجه سید عبدالرئوف سید زاده گنبد در دهک، مولوی سید ذاکر حسینی نیز مقبره‌اش در دهک موجود است (تحقیقات میدانی، ۱۳۹۲: سراوان).

#### طریقت قادریه

مؤسس این سلسله عبدالقادر گیلانی متوفی (۵۶۱ ه. ق) در عراق بود که طرفداران زیادی در آسیای صغیر و شمال آفریقا و کردستان دارد. نوه شیخ اولین کسی بود که به هند آمد اما سید

محمد غوث گیلانی متولد ۸۰۳ ه. ق پس از ورود به هند در آنجا اقامت گزید و رهبری طریقت قادریه را بر عهده گرفت (عزیز احمد، ۱۳۶۷: ۵۹). از بزرگان در گذشته این طریقه می‌توان از شیخ غیب و فرزندانش شیخ حسین و شیخ زین‌الدین نام برد. شیخ غیب نوه خواجه حسن دماوندی و اهل دماوند ایران بوده‌است. مقبره شیخ حسین به‌صورت چهار دیواری در دشت هودچکان و مقبره شیخ زین‌الدین نیز به‌صورت چهار دیواری در دشت نهکان سراوان واقع است. مقبره شیخ مزار به‌صورت چهار دیواری در افشان، مقبره شیخ داوود اهل افغانستان گنبد خستی و گلی در کرشان، ملا محمد نور اهل بغداد دارای مقبره‌ای در ریش پیش بالا و مقبره سید محمد ذاکر حسینی در دهک واقع می‌باشند (تحقیقات محلی، ۱۳۹۲: سراوان).

#### طریقت نقشبندیه

عزیز احمد در تحقیق خود با استناد به تاریخ تصوف می‌گوید: «این سلسله از آسیای مرکزی نشئت گرفت و هر چند که جنبشی سنتی و با هدف وحدت بخشیدن میان عبادت‌های ظاهری با معنویت درونی بود در آغاز تحت‌تأثیر برخی از ویژگی‌های آیین بودایی، به‌خصوص مه‌ایانه واقع است. عقیده بر این است که نقشبندیه واکنشی بود از سوی تمدن ایرانی در برابر شرق مغولی... نقشبندیه (در هند) مورد حمایت با بر قرار گرفت... اصل عمده اعتقادات این فرقه، وحدت شهود بود و اعتقاد به اینکه خدا در دل بوده به وجود خودش شهادت می‌دهد... این وحدت با خدا، به اتحادی منتهی می‌گردد، که وحدت در ذات نیست بلکه از طریق فعل ایمان و عشق صورت می‌گیرد (عزیز احمد، ۱۳۶۷: ۵۹). این طریقه در سراوان بانفوذترین طریقه بوده و در دوره مورد نظر از بزرگ‌ترین عرفای این طریقه غوث هارون شاه و حاجی عبدالرحیم و محمد مرشد و فرزندانش خواجه حسین و سید نبی بخش بوده‌اند. محمد مرشد و فرزندش به درجه قلندری رسیده‌اند و سید نبی‌بخش به درجه غوث رسیده‌است. طریقت سالک دارای مراحل می‌باشد که برخی از مراحل عبارتند از رجال، اوتاد، قطب و غوث. هر کدام از این‌ها نیز دارای مراحل است. قلندری هم‌طراز با آخرین مرحله در غوث است و مسیری جداگانه دارد. ممکن است مرید بدون طی نمودن مراحل سلوک دفعتاً با توجه نمودن و تلقین مرشد، مراحل چندگانه را یکجا طی کند و به این مرحله برسد. قلندری بر دو نوع است: یکی قلندری جمالی و دیگری قلندری جمالی. قلندری جلالی آنها که

ابدال‌اند اما باهوشند، قلندری جمال آن‌هایی که ابدالند و دیوانه مسلک هستند. مرشد جایگاه معنوی‌اش از خلیفه بالاتر است. خلیفه با اجازه مرشد می‌تواند طریقه بدهد. در واقع نایب مرشد است. مرشد استاد خلیفه است و به چندین خلیفه اجازه طریقه دادن می‌دهد. پیر به همان مرشد کامل می‌گویند (تحقیقات میدانی، ۱۳۹۲: سراوان). طریقه سهروردی چون در گذشته و حال سراوان فعالیت محسوسی نداشته است از ذکر آن در مقاله مذکور خوداری می‌کنیم. تنها نکته قابل‌ذکر اینکه سید نبی‌بخش حسینی به هر چهار طریقه واقف بوده اما فرد دیگری در این منطقه شناسایی نگردید.

### مکاتب فکری مذهبی و سیاسی در سراوان

در سراوان مکاتب فکری و مذهبی عمده عبارتند از دیوبندی، بریلوی و سلفی که در برابر هم تضادهای داشته‌اند. جریان تبلیغی جماعت تبلیغ هم جریانی مذهبی است، اما جریانات مودودی و اخوان المسلمین جریاناتی سیاسی با محتوای اسلامی هستند که دارای وجوه مشترک و اصطکاک فکری با سایر مکاتب می‌باشند. تفکر دیوبندی که بانفوذترین و قدرتمندترین گرایش مذهبی در منطقه به‌شمار می‌رود به‌طوری که اولین گروه از علمای سرشناس معاصر منطقه فارغ‌التحصیل از مدارس این طرز تفکر می‌باشند. مدرسه دارالعلوم دیوبند در هندوستان با هدف تعلیم و تعلم و گسترش فرهنگ اسلام در شبه‌قاره هند تأسیس شد و به وجود آورنده این مدرسه مولانا محمد قاسم نانوتوی (۱۸۸۰-۱۸۲۳ م) و مولانا رشید احمد گنگوهی (۱۹۰۵-۱۸۲۸ م) از مبارزان و رهبران مسلمانان (گیلانی، ۱۳۸۳: ۳۷) در جنبش مبارزه ملت هند به رهبری امراء و علمای مسلمان و برخی از هندوهایی که از سلطه انگلیس زخم خورده بودند و به‌منظور نجات از آن وضع مرگ‌بار، انقلابی خونین به پا کردند (خامنه‌ای، ۱۳۴۷: ۱۹). تفکر غالب مدارس و علمای دینی سراوان دیوبند می‌باشد. این تفکر از بدو پیدایش تاکنون تأثیر زیادی در آداب و رسوم و اعتقادات مردم سراوان داشته‌است. برخی تغییرات با ملایمت و برخی با خشونت همراه بوده‌است. منسوخ نمودن رسومی مانند دفن کودکان خردسال در جرز دیوار، زمزاری، زیارت قاضی دین و ابنیه‌های زیارتی که مورد احترام و زیارت مردم بود، بعضاً با بیل و کلنگ تخریب شده‌است از جمله موارد: تخریب گنبد مقبره شیخ نظام‌الدین ناهوکی (زندمقدم، ۱۳۷۸: ۱۶۲)، تخریب گنبد و مقبره حاجی عبدالرحیم سبب (همان: ۸۲)

می‌باشد. تنگ نمودن عرصه فعالیت دراویش (صاحبان) و ایجاد مزاحمت برای آنان منجمله سید نبی بخش (همان: ۱۰۷) و برگزاری مناظرات مذهبی و عقیدتی و درگیری فیزیکی با علمای بریلوی جهت تخطئه نمودن آن‌ها انجام شده‌است.

مدتی پس از تأسیس دارالعلوم دیوبند، احمد رضاخان بریلوی از علمای بریلو هند با موضع‌گیری در برابر عقیده علمای دیوبند در خصوص تعظیم حضرت رسول (ص) من جمله ندای پیامبر، زیارت حرم آن بزرگوار و حیات و ممات ایشان کتابی تحت عنوان «حسام الحرمین» تألیف و با اخذ تاییدیه علمای مکه معظمه در تقابل با دیوبندیان اقدام به تأسیس مدرسه‌ای مطابق با دیدگاه‌ها و عقاید خودش نمود که طرفداران این تفکر به بریلوی معروف شدند. اکثر مورخین و محققین شبه‌قاره هند معتقدند بریلویت بر علیه فرقه دیوبند به وجود آمده‌است و آن را چنین معرفی نمودند: بریلویه فرقه صوفیه‌ای است که زمان استعمار انگلیس در هند به وجود آمد (مجاهد، ۱۹۹۸ م، ج ۱: ۱۵۰) این‌ها به محبت و مقدس شمردن انبیاء و اولیاء به‌طور عموم و پیامبر گرامی (ص) به‌طور خصوص شهرت یافته و در شهر بریلی به وجود آمده‌است (همان: ۹۹، ۹۸). براساس تعریفی از اهل حدیث: بریلویت از جهت نام و نشو و نما چیز جدیدی است و همچنین از حیث وجود و تشکیل که جز فرق شبه‌قاره هند است. اما از جهت افکار و عقاید قدیمی هستند و از فرقه‌هایی می‌باشند که به نام‌های مختلف و به کثرت در کشورهای اسلامی انتشار یافته‌اند مانند: اهل بدعت، فرقه خرافی، تیجانیه، سنوسیه، مهدویه، قادریه، سهروردی، چشتیه، رقاعیع و غیرهم است (احسان الهی ظهیر، ۲۰۱۱: ۷۰۲). این گروه از نظر فقهی مقلد خالص امام ابوحنیفه می‌باشند و خود را اهل سنت و الجماعه می‌خوانند (نزهه الخواطر، بی‌تا: ۴۰) بنیان‌گذار این فرقه پیشوند محمدی (حضرت محمد (ص) را نیز به کار می‌برد و در نوشته‌های وی آمده‌است «محمدی سنی» (اشرف عبدالحکیم، بی‌تا: ۷۲). بریلوی‌ها اکثراً دارای طریقت عرفانی قادریه هستند و قائل به اذکار گروهی و جهری (با صدای بلند) می‌باشند. دیوبندی‌ها که در مقابل این گروه قرار دارند دارای طریقت نقشبندیه و قائل به ذکر انفرادی و اخفا (با صدای آهسته) و به‌صورت زمزمه که شخص دیگری متوجه نشود، هستند. مولانا عبدالحی ندوی می‌گوید: «هر چند هر دو گروه ارتباط اصلاحی با هر چهار سلسله اولیاء الله (قادری، چشتی، سهروردی و نقشبندی) دارند.» (همان: ۴۰).

در شهرستان سراوان مرکزیت بریلوی‌ها در دهستان دهک قرار دارد و مولوی سید محمد ذاکر حسینی فرزند سید محمد، سید عبدالرئوف سید زاده فرزند سید یحیی از سادات حسینی که اجدادشان به‌عنوان دراویش و صاحبان از احترام بالایی برخوردار بوده‌اند، به‌دلیل تشابه افکار و اعتقاداتشان با فرقه بریلویت پاکستان به این جریان منتسب و از شاخصین این جریان می‌باشند. سادات دهک و وابستگان آنها در سایر مناطق روستایی سراوان بیش از آنچه که با بریلویت معرفی کردند، مرجع اخلاق و خودسازی و تصوف منطقه بوده‌اند که وظیفه ارشاد و راهنمایی و هدایت مردم را به عهده داشته‌اند. بریلوی‌ها پیروان مولانا احمد رضاخان بریلوی در هند می‌باشند و سابقه حضور صاحبان در این منطقه قبل از ظهور بریلویان در هند می‌باشد (دهواری، ۱۳۹۰: ۷۸) در آن روستا دارای نماز جمعه و مکتب‌خانه دینی بوده‌اند.

جنبش فعال دینی دیگری که در این منطقه فعال می‌باشد توسط مولانا محمد الیاس (۱۹۴۴-۱۸۸۵ م) از دانش‌آموختگان دارالعلوم دیوبند بین سال‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۴۰ میلادی در شمال هند تأسیس شد. مرکز اولیه جنبش در نظام‌الدین نزدیک دهلی، در محل مقبره مؤسس آن می‌باشد. پس از فوت مولانا الیاس فرزندش یوسف جانشین او شد (گرهلم، ۱۳۷۸: ۲۰۵). هم‌اکنون این جنبش به‌صورت شورا رهبری می‌شود و مرکز آن در رانیوند از توابع لاهور در استان پنجاب پاکستان می‌باشد. مولانا الیاس فعالیت تبلیغی خود را تحریک ایمان یعنی جنبش ایمان نام نهاد (ندوی، ۱۹۹۳: ۲۹۳). در گروه‌های جماعت تبلیغ از همه طبقات جامعه دیده می‌شوند. جماعت تبلیغ برای اولین بار قبل از سال ۱۳۴۰ ه. ش وارد سراوان شده، امیر این گروه به نام امیر عباس اهل پاکستان و جماعت بلند مدت یک‌ساله بودند و به شهرهای مختلف استان رفته‌اند. گروه‌های جماعت تبلیغ ۸ تا ۱۵ نفره می‌باشند و از مرکز جماعت به مساجد اعزام می‌شوند و در آن‌جا فعالیت می‌کنند. در هر مسجدی سه روز بیشتر نمی‌ماندند و بعدها به مسجد دیگری می‌روند. این گروه‌ها کتاب فضایل اعمال و فضایل صدقات را تعلیم می‌دهند (تحقیقات میدانی، ۱۳۹۲: سراوان). مبلغان جماعت تبلیغ... در باب توسل به اولیای الهی و توجه به قبور، دیدگاه شاه ولی الله دهلوی را تبلیغ می‌کنند؛ تأکید بر نماز و روزه، داشتن محاسن بلند، توسل به اولیاء و عدم احترام به قبور، از مهم‌ترین آموزه‌های

آنان است. آن‌ها مراسم سوگواری و همچنین جشن‌ها را بدعت دانسته و نسبت به خلفای راشدین تعصب خاصی دارند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷: ۱۷۴).

علاوه بر فرقه‌های فوق جماعت اسلامی، اخوان المسلمین و سلفیان نیز در سراوان فعالیت دارند. جماعت اسلامی یا همان مودودیت به طرفداران مولانا مودودی می‌گویند. جماعت اسلامی یک گروه اسلامی معاصر است که تمام کوشش خود را در راه تطبیق شریعت اسلامی در زندگی مردم و مقابله جدی با همه گروه‌های سکولار که می‌خواهند بر منطقه سلطه حاصل کنند متمرکز نموده‌است (جهنی، ۱۳۸۰: ۱۸۵). جماعت اسلامی، سازمانی است که بیان‌گر دیدگاه‌های ایدئولوژیک مودودی می‌باشد. ظرف پنجاه سال اخیر نقش مهمی در تحولات سیاسی و اجتماعی بسیاری از کشورهای اسلامی بالاخص در جنوب آسیا ابقاء نموده‌است. به نحوی که این جماعت و همتای مصری آن اخوان المسلمین الگوی مبارزه تشکیلاتی در جهان اسلام و الهام‌بخش اکثر گروه‌ها، سازمان‌ها و جنبش‌های اسلامی معاصر شده‌اند (عراقچی، ۱۳۷۸: ۷۴). جماعت اسلامی پاکستان مهم‌ترین حزب اسلامی در پاکستان شناخته شده‌است. این حزب در ۲۶ اوت ۱۹۴۱ در لاهور تأسیس شد. در زمان تأسیس فقط ۷۵ نفر عضو رسمی آن بودند؛ اما پس از مدتی بر تعداد اعضا و هواداران آن به شدت افزوده شد. شخصیت علمی و فکری رهبر آن مولانا مودودی (۱۹۷۹-۱۹۰۳ م) که از سال ۱۹۲۵ م مدیریت نشریه الجمعیه، ارگان جمعیت علمای هند را بر عهده گرفته بود و از سال ۱۹۳۱ م ماهنامه ترجمان القرآن را در حیدرآباد اداره می‌کرد، در رشد جماعت اسلامی تأثیر به‌سزایی داشت. مودودی به‌عنوان یک متفکر، نویسنده و روشنفکر که داعیه ایجاد تحول فکری و فرهنگی در میان مسلمانان شبه‌قاره هند را داشت، در مجامع علمی و روحانی آن به‌خوبی شناخته شده بود (عارفی، ۱۳۸۲: ۹۶). جماعت اسلامی در ایران هیچ‌گونه فعالیت رسمی تشکیلاتی ندارند، اما تأسیس مدارس دینی و تدریس بعضی از کتاب‌های مودودی مانند مصطلحات اربعه که عبارت است از رب، الله، دین و عبادت و بدون فهم چهار اصطلاح درک قرآن مشکل است، به طلاب و تألیف و ترجمه آثار مودودی از راه‌های نشر عقیده این فرقه می‌باشد. نشر احسان تهران، مدرسه دینی خیرآباد فنوج نیکشهر، انتشارات و کتابفروشی‌های متعدد در استان کردستان و شخصیت‌های علمی در استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان، کردستان، هرمزگان، از مهم‌ترین



مراکز ترویج اندیشه مودودی به‌شمار می‌روند. از مهم‌ترین چهره‌های برجسته این تفکر در استان مولوی نذیر احمد سلامی مدرس دارالعلوم مکی زاهدان می‌باشد. مخالفان سرسخت جماعت اسلامی و جریان مودودی در استان مولوی‌های دیوبندی می‌باشند و هر کس که فعالیت مذهبی موازی با دیوبندی‌ها و مولوی‌ها انجام دهد مودودی خوانده می‌شود (تحقیقات محلی، ۱۳۹۲: سراوان).

اخوان المسلمین یکی از نیرومندترین جمعیت‌های سیاسی سده بیستم است که در سراوان نیز فعالیت‌هایی دارد. این نهضت در سال ۱۹۲۸ م در اسماعیلیه مصر توسط شیخ حسن بن احمد بن عبدالرحمن البنا تأسیس شد. زاینده اوضاع سیاسی و اجتماعی مصر در نخستین سال‌های پس از جنگ جهانی اول بود که از آن جمله رواج بی‌دینی میان روشنفکران و تحصیل‌کردگان، و به‌ویژه گسترش فکر علمانیت یا دنیا‌مداری پس از پیروزی آتاتورک در ترکیه و لغو شدن خلافت، و برانگیخته شدن احساسات ملی مصریان بر ضد انگلیسی‌ها و آرزومندی قاطبه مردم به اصلاح اوضاع داخلی مصر را باید یاد کرد (حلبی، ۱۳۹۰: ۱۱۸). اخوان المسلمین در ایران تحت‌عنوان جماعت دعوت و اصلاح ایران فعالیت می‌کند و در استان سیستان و بلوچستان دارای شاخه تشکیلاتی می‌باشد. این جماعت فعالیتش را در سیستان و بلوچستان از سال ۱۳۶۲ ه. ش در سراوان با کارهای فرهنگی و بدون وابستگی آغاز نموده‌است. در ابتدا آشنایی مولوی الله وردی و انور دهوری در فعالیت‌های فرهنگی مذهبی علیه گرایش‌های کمونیستی صورت گرفت. انور دهوری با اندیشه‌های مودودی و مولوی الله‌وردی پس از تحصیل در دانشگاه مدینه با تفکر جماعت اخوان المسلمین آشنا گردیده‌بودند. در سال ۱۳۶۴ ه. ش انور دهوری با شخصی عراقی به نام تحسین یاسین در کلاس‌های دوره قرآن که در مسجد مکی زاهدان برگزار می‌گردد و از جهت فعالیت فرهنگی در سراوان دعوت می‌نماید. تحسین عراقی‌الاصل و عضو اخوان المسلمین عراق بود. وی از افسران کرد تبار ارتش عراق بوده که در جبهه‌های جنگ تحمیلی به ایران تسلیم می‌گردد. تحسین و عضو دیگر اخوان به نام محمد امین که او عراقی و کرد تبار بود تا سال ۱۳۶۸ ه. ش به سراوان رفت و آمد داشتند و فعالیت فرهنگی انجام می‌دادند و رهبرشان در ایران بهاء‌الدین صلاح بود. هم‌زمان با این فعالیت‌ها فردی به نام عبدالمنعم اریش تبعه کشور کویت که بلوچ تبار

بود در دانشگاه مدینه تعدادی از بلوچ‌های سراوان من جمله محمد صعود سپاهیان، انور سپاهی، عبدالقادر حسین‌زهی و... را با تفکرات و تشکیلات اخوان المسلمین آشنا می‌کند. عبدالمنعم عضو اخوان کویت بود و بدون اجازه اخوان جهانی؛ اقدام به راه‌اندازی شاخه اخوان ایرانشهر نموده بود، زیرا براساس اجازه اخوان جهانی، فقط اخوان عراق اجازه فعالیت در ایران داشت. عبدالمنعم دارای تفکرات جهادی بود و به افغانستان تردد داشت. عبدالمنعم پس از اخراج از اخوان ایران در افغانستان به فعالیت‌های جهادی پرداخته بود و قصد فعالیت تروریستی در ایران را داشت لذا با تعدادی از اعضا و هواداران اخوان ایران در ارتباط بود. در سال ۱۳۷۳ ه. ش تعدادی انفجار در سراوان و زاهدان و مشهد صورت گرفت که با هدایت ایشان انجام شده بود (باقی، ۱۳۷۸: ۱۸۶). علاوه بر نهضت اخوان المسلمین که در سراوان فعالیت فرهنگی مذهبی دارند سلفیان نیز در این منطقه دارای نفوذ و فعالیت هستند.

سلفیه عنوان عمومی افراد با فرقه‌هایی از مسلمانان متجدد مخصوصاً در مصر و هندوستان است که به‌عنوان اکتفاء به پیروی از سلف صالح (پیشینیان نیکوکار) مسلمین را از آن‌چه خرافات و بدعت متاخران می‌خوانند، تحقیر می‌کنند. این نهضت در مصر تحت تأثیر افکار سید جمال الدین اسد ابادی (۱۲۵۴-۱۳۱۵ ه. ق) و شاگردش محمد عبده (فوت ۱۳۲۳ ه. ق) به وجود آمد و از فکر اتحاد اسلام نیز خالی نبود. لیکن داعی و مروج عمده آن شیخ محمد رشید رضا (فوت ۱۳۵۴ ه. ق) شاگرد محمد عبده بود که مخصوصاً در مجله المنار و در تفسیری از قرآن به همین نام به ترویج این فکر اهتمام کرد. طریقه سلفیه در مبارزه با صوفیه و با معتقدان به زیارت مقابر، که آنها را قبورین می‌خوانند، شباهت و اشتراک عقیده با وهابیه دارند؛ ولی در باب برخی مسائل نیز از جمله انسداد باب اجتهاد، که معتقد آن جماعت است، با آنها مخالف‌اند. سلفیه در عین آنکه می‌کوشند در همه امور قرآن را با علوم جدید منطبق جلوه دهند، همه‌جا نیز مسلمین را به رجوع به توحید محض قرآنی و اجتناب از بدعت‌هایی که رفته رفته و در واقع پس از عهد سلف صالح، در میان عوام مسلمین پدید آمده‌است، دعوت می‌کنند. سلفیه به اقوال و کتب ابن تیمیه و ابن قیم جوزیه از شاگردان امام حنبلی اعتماد فراوان ابراز می‌کنند و در حقیقت ابن تیمیه؛ ابن قیم جوزیه و شاه ولی الله دهلوی را می‌توان از پیشروان این فرقه محسوب کرد (حلبی، ۱۳۹۰: ۷۳). سلفیت سراوان توسط

تعدادی از تحصیل‌کردگان دانشگاه مدینه منوره در دهه ۱۳۷۰ ه. ش پایه‌گذاری گردیده‌است. از جمله علمای شاخص این جریان می‌توان از عبدالعزیز قندابی و شیخ علی دھواری و محمد عالم حکیمی نام برد. در حال حاضر پنج مدرسه و مکتب دینی در شهرستان سراوان متعلق به این جریان می‌باشد (حیدری‌نسب، ۱۳۹۱: ۷۱).

### نتایج پژوهش:

شهرستان سراوان به‌عنوان شهرستانی مرزی کانون التقاط میان جامعه ایرانی و شبه‌قاره هند است و در طول تاریخ دویست سال گذشته از فرهنگ اسلامی برخوردار بوده‌است. به‌دلیل موقعیت استراتژیک متناسب با تحولات داخلی و خارجی، همواره از جریانات فرهنگی مذهبی کشورهای همسایه متأثر بوده‌است. علت این تأثیرپذیری را می‌توان در ارتباطات و تعاملات فرهنگی مذهبی علاقمندان به فراگیری علوم دینی این دیار با علمای مدارس پر رونق سایر بلاد اسلامی جستجو کرد. تحقیقات و مطالعات اولیه نشان داده است هر چه سطح سواد در این شهرستان ارتقا یافته، زمینه و علاقه‌مندی به حضور در مراکز فرهنگی و آموزشی و مدارس با اهمیت‌تر کشورهای اسلامی نیز افزایش یافته‌است. با توجه به اینکه تفکر حاکم در مدارس جدیدتر با افکار قبلی حاکم بر جامعه سراوان تفاوت‌های معناداری دارد، لکن اشتیاق به فراگیری و شوق به ترویج یافته‌های فکری فرهنگی جدید، با انگیزه‌ای بیشتر توسط علاقه‌مندان سراوانی پیگیری و با جذب هم‌فکران جدید مصمم به انتشار آن در قلمرو مورد نفوذ خود می‌گردیده‌اند. این افراد بی‌توجه به موانع پیش‌روی، نه‌تنها بر اعتقادات جدید با فشاری نموده‌اند بلکه نسبت به ترویج آن نیز کوشیده‌اند و مشکلات پیش‌روی را صبورانه پشت‌سر نهاده و به‌دلیل اصرار بر باور و یافته‌های جدید در برابر مقاومت باورها و اعتقادات قبلی، نوعی فرقه‌گرایی را ترویج نموده‌اند. در قرن اخیر به دو دلیل اولاً باز شدن جامعه بسته سراوان به گذشته‌ای که افراد جامعه به‌دلیل حکومت ملوک الطوائفی و قشربندی اجتماعی امکان برخورداری از فرصت‌های برابر، جهت برخورداری از امکان علم و دانش، وجود نداشت و در ثانی به‌دلیل سرعت انتشار تحولات و جریانات فکری مذهبی جهان اسلام، تنوع فرقه‌های فکری و مذهبی در این شهرستان گسترش یافته و با توجه به بسترها و پشتوانه‌های حمایتی هر کدام از فرقه‌ها در خصوص ترویج و جذب هوادار یا مقلد دارای شدت و ضعف بوده‌اند،

در دهه‌های اخیر تمامی فرق و مکاتب سراوان در راستای اثبات برتری خود از جریان نسبتاً ملایم‌تری نسبت به گذشته‌ی، فعالیت‌های مکتبی پیروی نموده‌است. این فرق و مکاتب هر کدام به نوبه خود در نشر مسائل اسلامی و باورهای آموخته‌شده، در میان مردم و فرهنگ‌سازی در جامعه مؤثر بوده‌اند. اما این بهار فکری در راستای تولیدات علمی و اندیشه‌ای، فعالیت عملی و چشمگیری نداشته‌اند. بدین ترتیب تحقیقات صورت گرفته بر شواهد، قرائن و آثار تاریخی نشان داده است که سراوان به دلیل برخورداری از موقعیت تاریخی و جغرافیایی همواره در تحولات علمی منطقه نقش مؤثری داشته‌است. رشد تعداد مدارس علمی و بالا رفتن رونق آن‌ها در چند دهه گذشته نشان داده است که فرهنگ‌سازی فکری توسط دست‌اندرکاران مربوطه به‌ویژه علمای منطقه برای گشودن مرزهای دانش و بهره‌گیری از توان علمی منطقه به بار نشست و از یک مدرسه علمی به مدارس مؤثر مذهبی مبدل شده‌اند.

#### منابع و مطالعات

- اشرف، عبدالحکیم. (بی‌تا). *امام احمد رضا اور رد شیعہ، کراچی: انتشارات بزم قاسمی برکاتی.*
- البلاذری، احمد بن یحیی. (*فتوح البلدان*). ترجمه آذر تاش آذر نوش، تصحیح محمد فروزان، تهران: انتشارات سروش.
- الجهنی، مانع بن حماد. (۱۹۷۲ م). *موسوعه المیسره فی الدیان و المذاهب المعاصره، ریاض: اندوه العالمیه للشباب الاسلامی.*
- باقی، عمادالدین. (۱۳۷۸). *تراژدی دموکراسی در ایران، تهران: نشر نی.*
- برقی، محمد. (۱۳۳۶). *سازمان سیاسی حکومت محلی بنت، تهران: انتشارات مازیار.*
- پاتینجر، هنری. (۱۳۴۸). *مسافرت سند و بلوچستان، ترجمه شاهپور گودرزی، بی‌جا: ناشر دهخدا.*
- حدود العالم. (۱۳۶۵). *تهران: دانشگاه تهران.*
- حلبی، علی اصغر. (۱۳۹۰). *تاریخ نهضت‌های دینی سیاسی معاصر، تهران: انتشارات زوار.*
- حیدری نسب، محمد باقر. (۱۳۹۱). *اندیشه‌های سلفی‌گری در استان سیستان و بلوچستان، چاپ اول، قم: انتشارات آشیانه مهر.*
- جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۷). *آشنایی با فرق تسنن، تهران: گیتاشناسی.*
- جهانبانی، امان‌الله. (۱۳۳۶). *عملیات قشون در بلوچستان، بی‌جا: بی‌تا.*

جهنی، مانع بن حماد. (۱۳۸۰). *شناخت ادیان و مذاهب*، ترجمه محمد طاهر عطایی، کویته پاکستان: مرکز مطبوعات افغانی.

خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۴۷). *مسلمانان در نهضت آزادی هند*، تهران: مؤسسه انتشارات آسیا.  
 دهواری، محمد صدیق. (۱۳۸۷). *سراوان شکوه گذشته*، چاپ دوم، تهران: انتشارات کوله‌پشتی.  
 دینوری، احمد بن داوود. (۱۳۷۱). *اخبار السؤال*، مترجم محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.  
 زند مقدم، محمود. (۱۳۸۷). *حکایت بلوچ*، چاپ اول، جلد چهارم، تهران: انجمن آثار و مفاخر ملی.  
 زند مقدم، محمود. (۱۳۸۷). *حکایت بلوچ*، چاپ اول، جلد پنجم، تهران: انجمن آثار و مفاخر ملی.  
 سپاهی، عبدالودود. (۱۳۸۵). *بلوچستان در عصر قاجار*، بی‌جا، ناشر گلستان معرفت.  
 سیاسر، قاسم و محمد تقی رخسانی. (۱۳۸۹). *تاریخچه آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان*، زاهدان: ناشر تفتان.

سعیدزاده، سید محمد رئوف. (۱۳۸۲). *دیوان رئوف*، بی‌جا، بی‌نا.  
 طبری، محمد بن جریر. (۱۳۶۲). *تاریخ طبری، (تاریخ الرسل و الملوک)*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات اساطیر.  
 عزیز احمد. (۱۳۶۶). *کتاب تاریخ تفکر اسلامی در هند*، ترجمه تقی لطفی و محمد جعفر یاحقی، تهران: انتشارات کیهان.

غلام سرور (سرور لاهوری). ۱۳۸۳، *خزینة الاصفیاء*، به اهتمام بهداد اربابی، تهران: منشور امید.  
 گرهم، توماس و جورج لیمتن. (۱۳۷۸). *حضور نوین اسلام در اروپای غربی*، مترجم محمد قالیباف خراسانی، تهران: مرکز مطالعات فرهنگی بین‌المللی.

گیلانی، مناظر احسن. (۱۳۸۳). *سیری در زندگی حضرت مولانا محمد قاسم نانوتوی*، ترجمه و اقتباس صلاح الدین شهنازی، زاهدان: انتشارات صدیقی.  
 مجاهد، نورالدین. (۱۹۹۸ م). *المذاهب و التيارات*، عربستان: بی‌نا.

مسکوب، ش. (۱۳۶۸). *ملیت و زبان*، پاریس: چاپخانه آبنوس.  
 مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد. (۱۳۶۱). *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، مترجم علینقی منزوی، بی‌جا، شرکت مؤلفان و مترجمان.

نزهه الخواطر. (بی‌تا). *دانشگاه علیگر*، هند: (بی‌نا).  
 نیکلسون، ر. ا. (۱۳۵۷). *پیدایش و سیر تصوف*، ترجمه محمد معین، تهران: انتشارات طوس.

سپاهی، عبدالودود. (۱۳۸۳). تاریخ سراوان در یک نگاه، روزنامه زاهدان، زاهدان، شماره ۵۱۸، ۱۵ دی ۱۳۸۳.

عراقچی، سید عباس. (۱۳۷۸). اندیشه‌های سیاسی ابوالاعلی مودودی و جنبش احیا طلبی اسلامی، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، تهران: شماره ۱۹.

تحقیقات میدانی در شهرستان سراوان توسط نویسنده در سال ۱۳۹۲.

## References and bibliography

- Ashraf, Abdul Hakim. (Beta). Imam Ahmad Reza and Rejection of Shia, Karachi: Bazm Ghasemi Barakati Publications.
- Al-Balazari, Ahmad bin Yahya. (Conquest of Al-Baldan) Translated by Azar Tash Azarnoosh, edited by Mohammad Forozan, Tehran: Soroush Publications.
- Al-Jahani, Mana bin Hammad. (1972 AD). Al-Misrah Musa'a fi al-Diyaan and modern religions, Riyadh: Andoh al-Alamiya for Al-Shabab al-Islami.
- Baghi, Imaduddin. (1378). The Tragedy of Democracy in Iran, Tehran: Ney Publishing.
- Burqai, Mohammad. (1336). Bennett Local Government Political Organization, Tehran: Maziar Publications.
- Pottinger, Henry. (1348). Sindh and Balochistan travel, translated by Shahpur Godarzi, Bija: Dekhoda publisher.
- The boundaries of the world (1365). Tehran: University of Tehran.
- Halabi, Ali Asghar. (1390). History of contemporary religious and political movements, Tehran: Zovar Publications.
- Heydari Nesab, Mohammad Baqer. (2011). Salafi ideas in Sistan and Baluchistan Province, first edition, Qom: Ashianeh Mehr Publications.
- A group of writers. (1387). Getting to know the difference between Tassan, Tehran: Gitasansi.
- Jahanbani, Amanullah. (1336). Army operations in Baluchistan, Bija: Bit.
- Jahni, Mana bin Hammad. (1380). Knowledge of Religions and Religions, translated by Mohammad Tahir Atai, Quetta, Pakistan: Afghan Press Center.
- Khamenei, Seyed Ali. (1347). Muslims in the Indian Freedom Movement, Tehran: Asia Publishing Institute.
- Dehwari, Mohammad Sediq. (1387). The glory of the past, the second edition, Tehran: Koleh Pashti Publications.
- Dinouri, Ahmed bin Dawood. (1371). Akhbar al-Asthal, translated by Mahmoud Mahdavi Damghani, Tehran: Nei Publishing.

- Zand Moghadam, Mahmoud. (1387). Hakait Baloch, 1st edition, 4th volume, Tehran: Association of National Arts and Crafts.
- Zand Moghadam, Mahmoud. (1387). Hakait Baloch, 1st edition, 5th volume, Tehran: Association of National Art and Magnificence.
- Sepahi, Abdulavudud. (1385). Balochistan in the Qajar era, Bija, Golestan Marafet publisher.
- Siasar, Qasim and Mohammad Taghi Rakhshani. (1389). History of education in Sistan and Baluchistan, Zahedan: Taftan publisher.
- Saeezadeh, Seyyed Mohammad Raouf. (1382). Divan Raouf, out of place, out of place.
- Tabari, Muhammad bin Jarir. (1362). Tarikh al-Tabari, (Tarikh al-Rasl and al-Muluk), translated by Abul Qasim Payandeh, Tehran: Asatir Publications.
- Dear Ahmed (1366). The book History of Islamic Thought in India, translated by Taghi Lotfi and Mohammad Jafar Yahaghi, Tehran: Kayhan Publications.
- Gholam Sarwar (Sarour Lahori). 1383, Khazine Al-Asfia, under the care of Behdad Arbabi, Tehran: Manshri Omid.
- Gerhelm, Thomas, and George Limton. (1378). The modern presence of Islam in Western Europe, translated by Mohammad Qalibaf Khorasani, Tehran: Center for International Cultural Studies.
- Gilani, Ahsan's landscapes. (1383). A journey in the life of Hazrat Maulana Muhammad Qasim Nanotoi, translated and adapted by Salahuddin Shahnavazi, Zahedan: Siddiqi Publications.
- Mujahid, Nuruddin. (1998 AD). Al-Mahabh and al-Tiyarat, Arabia: Bina.
- Moskob, Sh. (1368). Nationality and Language, Paris: Ebony Press.
- Moghdisi, Abu Abdullah Muhammad bin Ahmad. (1361). Ahsan al-Taqaqim fi Ma'arfa al-Aqalim, translated by Alinqi Manzavi, Bija, the company of authors and translators.
- Nazeh Al Khawater (Beta). Aligarh University, India: (Bina).
- Nicholson, R, A. (1357). The origin and course of Sufism, translated by Mohammad Moin, Tehran: Tos Publications.
- articles
- Sepahi, Abdul Wadud. (1383). The history of Saravan in a glance, Zahedan newspaper, Zahedan, No. 518, 15 January 2013.
- Araghchi, Seyyed Abbas. (1378). Political thoughts of Abol-Ali Maududi and the Islamic revivalist movement, Middle East Studies Quarterly, Tehran: No. 19.
- Field research in Saravan city by the author in 2012.